

خط زرد

مر اقب جیب بر ها باشید (۲)

۱- هنگام سوار شدن به اتوبوس و مینی بوس، بلیت یا پول خود را از قبل آماده کنید تا مجبور به خارج کردن کیف پول و محتویات جیب خود در میان از دحام جمعیت نشوید.

۲- چنان چه به اقتضای شغل خود مجبور به حمل پول نقد هستید از وسایل نقلیه استفاده کنید و از سوار شدن به خودرو های متفرقه شخصی به ویژه در مسیر های پرت، خلوت و خارج شهر خودداری کنید.

۳- اگر قصد معامله ای دارید که نیاز به حمل پول است آن را به افراد غیر مطمئن باز گو نکنید.

۴- دختران از همراه داشتن طلا و ترد در معابر خلوت خودداری کنند.

۵- هنگام باز کردن در خودرو یا صندوق عقب و تماس تلفنی از گذاشتن کیف روی زمین خودداری کنید.

رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی

از میان خبرها

مادر و فرزند قربانی سیلاب در شرق کرمان شدند

توکلی-مادر و فرزند، قربانی سیلاب در شرق کرمان شدند.
مدیر کل دفتر مدیریت بحران استانداری کرمان گفت: در پی وقوع سیلاب در روستای دهپاک از توابع شهر بزمان استان سیستان و بلوچستان، غرق شدن یک مادر و فرزند در رودخانه این منطقه گزارش شد.
به گزارش خبرنگار ما، سعیدی افزود: بلافاصله نیروهای امدادی شهرستان ریگان که همجوار این روستاست برای کمک اعزام شدند. وی اظهار کرد: با تلاش نیروهای امدادی این شهرستان و مردم محلی روستای دهپاک، اجساد مادر و پسر اهل این روستا که عصر سه شنبه بر اثر سیلاب جان خود را از دست دادند روز گذشته پیدا و تحویل خانواده و بستگانمان شد.
برزنگ بخشدار مرکزی ریگان هم گفت: بارندگی شدید عصر سه شنبه در ارتفاعات استان سیستان و بلوچستان باعث جاری شدن سیلاب در شهر بزمان استان و جنوب شهرستان ریگان در استان کرمان شد. وی خاطر نشان کرد: در پی جاری شدن سیلاب، پسر بچه ای هشت ساله از اهالی دهپاک که در حاشیه رودخانه قرار داشت به داخل رودخانه افتاد و مادر هم که قصد نجات جان فرزندش را داشت در رودخانه غرق شد.

ماجرای دانش آموزی که به گروگان گرفته شد

توکلی- با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی کرمان پسر بچه هشت ساله ای که پس از ربودن در مسیر مدرسه توسط آدم ربایان به استانی دیگر منتقل شده بود به آغوش خانواده خود باز گشت.
فرمانده انتظامی استان کرمان روز گذشته در تشریح جزئیات این آدم ربایی گفت: (اواخر اردیبهشت امسال، گروگان گیری یک پسر بچه هشت ساله در مسیر مدرسه در شهر کرمان به مرکز فوریت های پلیسی گزارش شد که با توجه به حساسیت موضوع، بلافاصله پس از دریافت این خبر تیم گشت انتظامی و پلیس آگاهی در محل وقوع حادثه حاضر شدند. به گزارش خبرنگار ما، سردار ناظری افزود: در بررسی های اولیه مشخص شد صبح زود دو مرد و یک زن با سرت یک خودروی سواری که سرویس مدرسه بود اقدام به ربودن پسر بچه ای هشت ساله کردند. این مقام ارشد انتظامی کرمان بایان این که ربودن این دانش آموز، بر اساس نقشه از پیش طراحی شده آدم ربایان بود، اظهار کرد: آدم ربایان در ادامه سرویس مدرسه رابه یکی از نقاط حاشیه شهر کرمان می پرند و گروگان رابه خودروی خود منتقل می کنند. وی خاطر نشان کرد: در ادامه گروگان به یکی از مناطق استان سیستان و بلوچستان منتقل و برای نگهداری به چنده نفر دیگر سپرده می شود. فرمانده انتظامی استان کرمان بیان کرد: با توجه به حساسیت موضوع، اقدامات اطلاعاتی و پیی جویی های پلیسی دستگیری آدم ربایان آغاز شد و سرانجام پس از حدود ۲۸ روز تلاش شبانه روزی و اقدامات اطلاعاتی محل نگهداری این کودک در یکی از مناطق استان سیستان و بلوچستان شناسایی شد. سردار ناظری تصریح کرد: تیمی از کارآگاهان و ماموران انتظامی کرمان پس از دریافت نیابت قضایی و طی چند عملیات ضربتی شش مرد و یک زن که در انجام این آدم ربایی ویرانه نقش و مشارکت داشتند، دستگیر کردند و کودک گروگان گرفته شده در سلامت کامل به آغوش خانواده اش باز گشت. وی یادآور شد: آدم ربایان با هدف اخاذی از خانواده گروگان در قبال آزادی این پسر بچه، دومیلیار تومان و همچنین ۵۰۰ سکه طلا در خواست کرده بودند، که در یک مرحله حدود ۷۰ سکه ا دریافت کردند که پس از دستگیری عوامل این آدم ربایی، این تعداد سکه هم به خانواده کودک برگشت داده شد. این مقام انتظامی با اشاره به خوشحالی خانواده گروگان از سلامت فرزندشان گفت: این که فردی افرادی به سبب اختلاف مالی یا با هدف اخاذی دست به چنین جرایمی بزنند جز تشویش و آشفتگی خاطر برای افراد خانواده ها و نهایت ندامت و پشیمانی برای خودشان چیزی در بر ندارد.

متهمان پرونده در بازسازی صحنه جنایت تشریح کردند

ماجرای قتل «گل» در نیلوفر!

مرد ۵۲ ساله: با تبر ستون فقراتش را قطع کردم!

برق سه فاز زمانی از سر متهم به قتل پرید که تازه متوجه شد، راننده کسی که او را به میدان «جام عسل» منطقه رضا شهر مشهد رسانده، یکی از کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی است که در پوشش راننده مسافر کش او را به دام انداخته و مقرر پلیس آگاهی هدایت کرده است در این لحظه بود که ناگهان ...



متهمان در حال تشریح صحنه جنایت هولناک در حضور قاضی میرزایی

مقتول نیز گفت: من خانه خواهرم بودم که فردی گفت برادرت را کتک می زند من هم بلافاصله به محل آمدم و در درگیری با آنان زخمی شدم که اوژانسیس مرا به بیمارستان طالقانی برد.

گزارش خراسان حاکی است، اظهارات متهمان دستگیر شده در حالی برای مقام قضایی باورپذیر نبود که بررسی های میدانی و تجزیه قضایی او، از یک کینه و اختلاف قدیمی بین طرفین نزاع مرگبار حکایت داشت اما قطعه اصلی این پازل، متهم فراری به نام «وحید-ه» بود چرا که اعترافات او به عنوان عامل درگیری خونین، کلید حل این معمای پیچیده جنایی به شمار می رفت.

دستورات محرمانه

بنابر این قاضی کاظم میرزایی با صدور دستورات محرمانه ای از کارآگاهان خواست برای دستگیری متهم فراری به شیوه های اطلاعاتی متوسل شوند.
او بلافاصله دلیله گروه زبده ای از کارآگاهان با نظارت مستقیم سرهنگ محمدرضا غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی پلیس آگاهی) و به سرپرستی سرگرد وحید حمیدفر



(افسر پرونده) وارد عمل شدند و به تجزیه و تحلیل های کارشناسی پرداختند.

متهمان این پرونده در بازجویی های مقدماتی که به صبح روز بعد کشیده شده قاضی میرزایی گفتند: در پشت بام منزل یکی از دوستانمان کنار لانه کبوتران بودیم که سرو صدایی از داخل کوچه بلند شد. ابتدا فکر کردیم پدر دوست مان از حضور ما در این مکان ناراحت شده است و سرو صدا می کند اما وقتی دوست مان آمد، گفت: افراد دیگری داخل کوچه هستند که ما با شنیدن این جمله از آن جا فرار کردیم ولی داخل کوچه افرادی به ما حمله کردند.

یکی از همراهان ما به نام سیدگل (افغانستانی) بر اثر اصابت ضربات چاقو به زمین افتاد. چون حالش وخیم بود او را با وانت به بیمارستان رضوی بردیم. برادر



وحید گرفت و لوله اسلحه را به سوی او نشانه رفت تا حرکت اضافی نکند! این متهم ۲۸ ساله که همه راه های گریز را بسته می دید در حالی برق سه فاز از سرش پرید که تازه فهمید در دام کارآگاهان پلیس آگاهی گرفتار شده است.

گزارش خراسان حاکی است، ساعتی بعد بازجویی از این متهم فراری در حالی آغاز شد که او خود را بی خبر از ماجرای قتل «گل» در خیابان نیلوفر نشان می داد. اما کارآگاهان با دستور قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای مشهدآن قدر مدارک انکارناپذیر روی میز ریختند که متهم ۲۸ ساله به ناچار لب به اعتراف کشود و به حضور خود در این درگیری وحشتناک معترف شد.

در پی اعترافات وی، کارآگاهان بلافاصله عوامل دیگر نزاع دسته جمعی مرگبار را از زندان تحویل گرفتند تا در یک مواجهه حضوری همه زوایای این پرونده فاش شود.
این در حالی بود که برخی از متهمان به وجود تبر، لوله فلزی آب و چماق نیز در این درگیری مرگبار ادعان کردند.

■ بازسازی صحنه جنایت
به همین دلیل صبح روز دوشنبه گذشته و با صدور دستوری از سوی قاضی ویژه قتل عمد مشهد، مقدمات بازسازی صحنه جرم در خیابان نیلوفر ۸ در منطقه کشف مشهد فراهم شد و چهار نفر از متهمان اصلی این پرونده جنایی مقابل دوربین قوه قضاییه قرار گرفتند تا ماجرای این جنایت هولناک را در حضور قاضی کاظم میرزایی تشریح کنند.
دقایقی بعد هر چهار متهم در حالی که حلقه های قانون بر دستانشان خوندنمایی می کرد از خودروی پلیس پیاده شدند و مقابل دوربین ایستادند.

این در حالی بود که در مواجهه متهمان و شاهدان عینی این حادثه خونین، شکل ظاهری چاقوهایی که در صحنه درگیری مورد استفاده متهمان قرار گرفته بود، ترسیم و برای مطابقت آن ها با ضربه کننده، به پزشکی قانونی ارسال شد.
با تطبیق اشکال این چاقوها، مشخص شد که ضربه مرگبار به ناحیه قفسه سینه با چاقو وارد آمده است.
بنابر گزارش خراسان، «وحید-ه» پس از معرفی کامل خود گفت: آن روز من چاقو داشتم که وارد درگیری دسته جمعی شدم اما آن چاقو را به کمرم بسته بودم و در لحظه درگیری استفاده نکردم! اما مرحوم «گل» و راضیه قدیمی داشتند یک بار «گل» چاقوی رضا را از دستش گرفته و به او پس نداده بود! آن روز «گل» به رضا گفت: چاقوی بی غلاف، صاحب ندارد! به همین خاطر کینه عمیقی بین آن ها شکل گرفت!

متهم ۲۸ ساله این پرونده جنایی ادامه داد: روز حادثه «گل» را دیدم که به همراه دوستانش به منزلی در خیابان نیلوفر رفتند و در پشت بام مشغول کبوتر بازی شدند. «گل» همیشه فکر می کرد که من چند نفر ااجیر کرده ام تا او را کتک بزنند به همین دلیل از من ناراحت بود!

وقتی درگیری شروع شد رضا و سجاد و رمضان هم بودند که ناگهان برادر مرحوم «گل» هم به وسط درگیری آمد و مجروح شد. در این میان رضا چاقو داشت ولی من چاقویم را از کمرم باز نکردم! رمضان که پدر یکی از متهمان است با تبر حمله می کرد و سجاد هم لوله فلزی در دست داشت. بنابر این گزارش، رمضان متهم ۵۲ ساله نیز گفت: من با تبر به او «گل» حمله ور شدم و به ستون فقراتش ضربه زدم طوری که بعد فهمیدم این ضربه ستون فقراتش را قطع کرده است!

گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، با اظهارات متهمان و با صدور دستوری از سوی قاضی میرزایی، با بازسازی صحنه قتل پایان یافت و این پرونده جنایی در مسیر طی شدن دیگر مراحل دادرسی قرار گرفت.

حوادث

۱۳

در امتداد تاریکی

خاکستر عشق!

بعد از ۳۰ سال زندگی عاشقانه هیچ وقت باورم نمی شد همسر در آن روزهای سخت بیماری ام فقط به دنبال هوا و هوس های خودش باشد و روزهایی را که بیشتر از همیشه به محبت هایش نیاز داشتم او مهر و عاطفه اش را به پای زن دیگری بریزد و...

زن ۵۳ ساله ای که به اتهام ایراد ضرب و جرح عمدی از همسرش شکایت کرده بود با بیان این که در زندگی آشفته ام دیگر حرمت ها ریخته و اعتمادها از بین رفته است به کارشناس و مددکار اجتماعی کلانتری میرزا کوچک خان مشهد گفت: بعد از آن که در رشته علوم انسانی دیپلم گرفتم دیگر ادامه تحصیل نادم تا این که «عیسی» به خواستگاری ام آمد. آن زمان بیست و سومین بهار زندگی ام را پشت سر گذاشته بودم که پای سفره عقد نشستم اما به خاطر برخی اعتقادات سنتی خانواده ام، عیسی نمی توانست در دوران نامزدی رفت و آمد زیادی به منزل ما داشته باشد چرا که برادرهایم مجرد بودند و پدرم اجازه نمی داد رفت و آمد زیادی با نامزد دم داشته باشم البته سطح فرهنگی خانواده عیسی نیز به همین گونه بود و اعتقاد داشتند که نباید دختر و پسر در دوران نامزدی مدت زیادی را بایکدیگر بگذرانند. اما این گونه افکار و اعتقادات تنه از علاقه من به عیسی کم نکرد بلکه این عشق و علاقه روز به روز بیشتر می شد تا این که بالاخره با وام و قرض و کمک اطرافیان جشن عروسی ما برگزار شد و زندگی زیر یک سقف را آغاز کردیم. اگر چه همسرم ابتدا اشغل ثابتی نداشت و با هنر نقاشی روزگاری می گذرانیدیم اما زمانی که اولین فرزندم متولد شد عیسی نیز به استخدام یکی از ادارات دولتی در آمد و این گونه زندگی ما صفای دیگری پیدا کرد. خلاصه طی پنج سال، سه فرزند بزرگ به زندگی عاشقانه ما لذت دیگری بخشیدند و در همین مدت، اوضاع اقتصادی ما با همه سختی هایی که کشیده بودم در شرایط ایده آلی قرار گرفت به طوری که یک واحد آپارتمانی او خرد و خریدیم. این زندگی شیرین با روابط صمیمانه من و عیسی ادامه داشت تا این که روزی نتیجه آزمایش های پزشکی و سونوگرافی نشان داد که به بیماری سرطان مبتلا شده ام. از آن روز به بعد زندگی من در مسیر تغییر ۳۶۰ درجه ای قرار گرفت برای درمان بیماری و طی مراحل شیمی درمانی به یکی از بیمارستان های تخصصی مشهد مراجعه می کردم با توجه به این که بعد از هر بار شیمی درمانی حال بدی داشتم عیسی نیز به همراه من به مراکز درمانی می آمد تا کمک کند. اما در اثانی همین رفت و آمدها متوجه شدم همسرم با منشی یکی از پزشکان مراکز درمانی ارتباط نامتعارف دارد وقتی از اطرافیانم می شنیدم که همسرم با زن دیگری در ارتباط است خیلی عذاب می کشیدم چرا که به خوبی با زن را می شناختم و از همسرش طلاق گرفته و با داشتن سه فرزند زندگی تلخی را تجربه کرده بود اما من در این شرایط بیماری سخت انتظار نداشتم عیسی زنی را که چندین سال از خودش بزرگ تر است به عقد موقت در بیاورد و مرا باین بیماری تنها بگذارد.
اولایل نمی خواستم این موضوع را بپذیرم و خودم را توجهی می کردم که احتمالا همسرم به خاطر هزینه های زیاد در مان ناراحت است یا ... به همین دلیل هیچ وقت در این باره با همسرم سخنی نگفتم تا این که دو سال بعد وقتی مراحل شیمی درمانی به پایان رسید متوجه شدم که همسرم منزلی را برای آن زن رهن کرده و متوجهانه با او زندگی می ای دیگر نمی توانستم این شرایط را تحمل کنم بنابر این شبی به عیسی گفتم که از ماجرای همسر صیغه اش اطلاع دارم اما کاش هیچ وقت این ماجرا را فاش نمی کردم چرا که آن شب مشاجره ای بین ما شروع شد و از آن به بعد عیسی آشکارا مرا رها می کرد و به منزل آن زن می رفت کار به جایی رسید که دیگر یکی شب ماه حتی یک بار هم نزد من نیامد و تنها خارج زندگی من و فرزندانش را تا من می می کرد وقتی صبرم لبریز شد به در منزل هوومیر رفتم و کار مان به درگیری کشید به همین دلیل عیسی وقتی از ماجرا مطلع شد آن قدر مرا با مشت و لگد زد که دیگر چیزی نمی فهمیدم ولی ای کاش خودم در این حوادث و مشکلات زندگی ام به تنهایی تصمیم نمی گرفتم و حداقل با مشاوران آگاه و کارآموده مشورت می کردم تا عشقم این گونه خاکستر نشود.
شایان ذکر است، به دستور سرهنگ احمد محتشمی (رئیس کلانتری میرزا کوچک خان) کارشناسان زبده دایره مددکاری اجتماعی این اداره همسر این زن به کلانتری بررسی های کارشناسی قضایی را در این باره آغاز کردند.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۴ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت تبیی و اراقبی و ساختنهای فاقد سند رسمی
برابر ری شماره ۱۸۲۹، ۲۲۰۰، ۲۱۸۰، ۲۳۰۰ = ۱۳۹۸/۰۳/۰۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت تبیی اراقبی و ساختنهای فاقد سند رسمی مستقر فرماند تبیی حوزه ثبت ملک ماسال (نظرات مالکانه بلازمان مرض متقاضی آقای اقامم بهزاد حسخشانی قاضیکو فرزند احمد بشماره شناسنامه ۱۰ متولد ۱۳۰۸ در ماسال در ششادنگ که قطعه زمین به مساحت ۷۰۰ متر مربع مشتمل بر بنای حیاتی غیر مجاز به مساحت ۱۸ متر پلاک ۲۴۴ فرعی از ۱۹ اصلی مغرور و مجری شده از پلاک ۲۷ فرعی از ۱۹ اصلی واقع درقریه کشادکو، بخش ۲۶ گران خروباری از ملک رسمی است به شمره شریعی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب درو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درمورثی که لتخصی نسبت به منور منور مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دومه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خودرا به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درمورث لتقاضی مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت حایر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۸/۰۴/۱۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۸/۰۵/۰۱

اجاره سالن در سجاد
۳۰۰ متر همکف ۴۰۰ متر اول
جهت هایبرمارکت-کلینیک-سالن بدنسازی
مزون معتبر-آرایشگاه و غیره
۰۹۱۵۳۱۰۷۴۶۰
۰۹۱۵۰۵۵۲۷